

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره چهل و هشتم، بهار ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۲

تحلیل فراوانی انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران

صائمه خراسانی*

رضا حیدری نوری**

چکیده

ادبیات عامه، بخشی از فرهنگ مردم است که تخیل، احساسات، آرزوها و اندیشه‌های آنان را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و نشان‌دهنده معیارهای اخلاقی و زیباشناسی هر دوره از زندگی اقوام است. اساساً شناخت و بررسی ویژگی‌های ادبی جوامع در گذار از تاریخ، بدون شناخت و بررسی ادبیات عامه، دشوار یا ناممکن است. از این رو پژوهش در گنجینه غنی ادبیات عامه و شفاهی ایران و بررسی ویژگی‌های آن، اهمیت خاصی دارد. این پژوهش به منظور طبقه‌بندی آثار مطرح مکتب‌خانه‌ای و عامه ایران در گروه‌های محدود و مشخص از نظر محتوا و مضمون و تعیین نوع ادبی آنها صورت گرفته است. برای تعیین نوع ادبی هر اثر از هفتاد داستان کتاب «ادبیات مکتب‌خانه‌ای» نوشته حسن ذوالفقاری و محبوبه حیدری، هر یک از داستان‌ها از جنبه سه متغیر محتوا و مضمون، لحن و شیوه ارائه بررسی شده است و این نتیجه حاصل گردیده که ادبیات مکتب‌خانه‌ای بیشتر تحت تأثیر نوع ادب تعلیمی بوده است و انواع حماسی و غنایی داستان‌های عامه از فراوانی نسبتاً همسانی برخوردارند. همچنین در این پژوهش، نقش هر یک از زیرعامل‌ها در این اثرگذاری به تفکیک بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامه، شفاهی، ادبیات مکتب‌خانه‌ای، نوع ادبی.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

saame_khorasani@yahoo.com

R.heydarinoori@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

مقدمه

درباره ادبیات عامه می‌توان گفت که دست‌مایه بسیاری از آثار ماندنی در عرصه فرهنگ و ادب هر سرزمینی، ادب شفاهی و عامه آن سرزمین است. فرهنگ، هنر، زبان و ادبیات عامه مردم ایران نیز از جمله غنی‌ترین گنجینه‌های تمدن بشری است که برخی از آنها هنوز هم به صورت مکتوب درنیامده است. این داستان‌ها طی صدها سال به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده و هر چند در هر روایت تغییراتی به خود دیده، بن‌مایه‌های اصلی آنها محفوظ مانده است. در سده‌های اخیر نوعی از آموزش و پرورش در ایران شکل یافته بود که به آن مکتب‌خانه می‌گفتند. بسیاری از آثار شفاهی ایران، توسط مدرسان این مدارس جمع‌آوری و مکتوب شده، به محصلان آموزش داده می‌شد. از این‌رو این مکتوبات که گنجینه مهمی از ادبیات عامه است، می‌تواند مرجع موثق و قابل اطمینانی برای محققانی باشد که زمینه مطالعات خود را ادبیات عامه قرار داده‌اند.

از سوی دیگر امروزه مطالعات در حوزه ژانر به یکی از زمینه‌های اصلی تحقیق‌های ادبی جهان تبدیل شده است. از افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ ق.م)، ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م)، هوراس (۸-۶۵ ق.م) و دیگر نویسندگان یونانی و رومی تا نظریه‌پردازان دوره رنسانس، نوکلاسیک‌ها، رمانتیک‌ها، داروینیست‌ها، نوارسطویان، فرمالیست‌ها، ساختارگرایان، ساختارشکنان و دیگر نظریه‌پردازان ادبی مدرن، در تاریخی حدوداً دو هزار و چهارصد ساله، نظریه‌هایی مختلف و گاهی متناقض درباره نوع و انواع ادبی بیان کرده‌اند و موافقان و مخالفان زیادی در این عرصه قلم زده‌اند. حتی منتقدانی ظهور کرده‌اند که دیگر به اصلاح و تغییر در اصول ژانری بسنده نمی‌کنند و اساساً با موجودیت چیزی به نام ژانر مخالفت می‌کنند. بندتو کروچه آن را بی‌فایده و نقض غرض ادبیات معرفی می‌کند و موریس بلانشو می‌گوید: «ژانر هیچ ربطی به ادبیات و آثار ادبی ندارد» (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۴).

اما امروزه نظریه ژانر که به عقیده برخی محققان، شاید مسئله‌آفرین‌ترین نظریه ادبی مدرن بوده باشد (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۴)، جایگاه خود را یافته و نه تنها در ادبیات،

بلکه در هنرهای دیگر مانند نقاشی، موسیقی و سینما، بلکه در تعلیم و تربیت، علوم سیاسی، مطالعات تاریخی و مذهبی، مطالعات زنان، مطالعات تطبیقی و مطالعات فرهنگی نیز مورد توجه است (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۵: ۱۶).

با عنایت به موارد یادشده، در این پژوهش سعی بر آن است که آن دسته از داستان‌های شفاهی که به صورت مکتوب درآمده است و اصطلاحاً ادبیات مکتب‌خانه‌ای نامیده می‌شود، از منظر ویژگی‌های انواع ادبی بررسی و نوع ادبی آن تعیین شود. اساس این پژوهش، هفتاد داستان شفاهی است که در کتاب سه‌جلدی آقای دکتر حسن ذوالفقاری با عنوان «ادبیات مکتب‌خانه‌ای» گردآوری شده است و روش تعیین نوع ادبی نیز روشی است که با استفاده از نظریه‌های پیشین، در این پژوهش تدوین و توسعه یافته و پیشنهاد شده است. در انتها اسامی هفتاد داستان به همراه ارزیابی نوع ادبی آنها و با عنوان نتایج تحقیق در جداولی دسته‌بندی و ارائه شده است و نتیجه نهایی پژوهش بر مبنای این جداول تجزیه و تحلیل شده است.

بیان مسئله

فرهنگ، هنر، زبان و ادبیات عامه مردم از جمله غنی‌ترین گنجینه‌های تمدن بشری است که با عنوان فولکلور، فرهنگ توده یا فرهنگ عامه یاد می‌شود که در اصطلاح به مجموعه افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، لغزها، چیستان‌ها، رقص‌ها، پیشگویی‌ها، اعتقادات و مراسم درباره تولد، مرگ، ازدواج، کشاورزی، پیشگیری و معالجه بیماری‌ها و به طور کلی آداب و رسوم و عقاید رایج در میان جوامع گوناگون که به صورت شفاهی یا از طریق تقلید و تکرار از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، اطلاق می‌گردد (انجوی شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

شناخت ادبیات عامه و فولکلوریک، راهی است برای ورود به دنیای واقعی زندگی مردم با تمرکز و توجه به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... که بر غنای ادبیات مکتوب یک جامعه می‌افزاید. یکی از راه‌های دسترسی به ادبیات عامه در ایران، ادبیات مکتب‌خانه‌ای است که بر مبنای ادبیات شفاهی به صورت مکتوب درآمده

و در مکتب‌خانه‌های قدیم به محصلان آموزش داده می‌شد. ادبیات مکتب‌خانه‌ای را از جنبه‌های مختلفی چون سلحشوری، عاشقانه، عیاری و پهلوانی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی و... می‌توان بررسی کرد. به عنوان مثال اگر بخش زیادی از آثار از نظر نوع ادبی در حوزه سلحشوری و حماسه باشد، می‌توان حدس زد که به طور کلی روحیات اجتماعی مردمان آن جامعه متأثر از موضوعات جنگ‌آوری (تهاجمی یا دفاعی) بوده است. از جهت دیگر، بررسی عواطف و احساسات، غم‌ها و شادی‌های آنان در خلال بررسی متون غنایی امکان‌پذیر است. به عبارتی دیگر از روی ادبیات عامه می‌توان فهمید که مردمان در هر عصری بیشتر تحت تأثیر چه موضوعاتی بوده‌اند. بنابراین استفاده از ابزاری که بتواند محتویات هر اثر را آشکار نموده تا از روی آن بتوان به تفکرات و اندیشه‌های پیشینیان و نوع رفتار آنها پی برد، ضروری است. با توجه به مطالعات اولیه صورت‌گرفته، «نوع ادبی» از این قابلیت و توان برخوردار است. نوع ادبی به دلیل ارتباطی که در زیرترین لایه خود با محتویات یک اثر برقرار می‌کند، قدرت آشکارسازی اندیشه‌های پشت یک اثر و مقصود و منظور آن را دارد و از این رو شناخت هر یک از این انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای و میزان حضور آنها می‌تواند بیانگر تأثیر هر یک از انواع ادبی بر کل ادبیات شفاهی ایران باشد و این یکی از اهداف اصلی این پژوهش است. با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان گفت هدف کاربردی این پژوهش عبارت از تعیین میزان فراوانی انواع ادبی (حماسی، غنایی، تعلیمی) است که در ادبیات مکتب‌خانه‌ای استفاده شده‌اند. با تعیین موارد یادشده می‌توان اهمیت هر یک از آنها را در ادبیات مکتب‌خانه‌ای محاسبه کرد.

اهداف تحقیق

از آنجا که تاکنون در این زمینه خاص پژوهش و تحقیقی صورت نگرفته، هدف آن است که هم در زمینه نوع ادبی و دسته‌بندی ادبیات عامه (ادبیات مکتب‌خانه‌ای) بر مبنای تعلق به نوع ادبی، پژوهش‌های بیشتری انجام شود و نیز هرچه بیشتر با فرهنگ غنی، آداب و رسوم، عقاید و پشتوانه‌های فرهنگی آن که ادبیات عامه نامیده می‌شود و

در این پژوهش به دامنه ادبیات مکتب‌خانه‌ای محدود شده، آشنایی حاصل شود. همچنین ارائه آمار و طبقه‌بندی میزان حضور انواع مختلف ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران نیز بخش دیگری از اهداف را تشکیل می‌دهد.

سؤال‌های تحقیق

- بیشترین و کمترین فراوانی نوع ادبی متعلق به کدام‌یک از انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای است؟
- نسبت هر یک از انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای به چه میزان است؟

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به اینکه محیط مکتب‌خانه‌ها محیطی آموزشی بوده است، فرض بر آن است که بیشترین نوع ادبی استفاده‌شده، نوع تعلیمی باشد. با توجه به اینکه معلمان بیشتر از طبقه ملاحا بوده‌اند، ادبیات غنایی سهم کمتری را به خود اختصاص داده است.

پیشینه تحقیق

- طی چند دهه گذشته، کتاب‌ها و مجله‌هایی در زمینه ادبیات شفاهی عامه منتشر شده است که در جای خود بس مهم و کارساز بوده است، لیکن کمتر به مبانی نظری پرداخته شده است. از طرفی گستردگی این حوزه و وسعت دامنه کار می‌طلبد که کتاب‌ها، مقاله‌ها و رساله‌ها در این زمینه نوشته شود. مواد و مصالح چنین پژوهش‌هایی در نتیجه زحمات محققان این حوزه گرد آمده است؛ از جمله کتاب‌های:
- «زبان و ادبیات عامیانه» از حسن ذوالفقاری: به فرهنگ مردم، انواع آن، گستره و اهمیت ویژگی‌های ادب عامه، طبقه‌بندی و انواع قصه‌ها و عناصر داستانی اشاره دارد.
 - «ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران» از حسن ذوالفقاری و محبوبه حیدری: این کتاب به

بررسی مکتب‌خانه‌ها و شیوه درس‌آموزی و همچنین داستان‌های مکتب‌خانه‌ها پرداخته است.

- « فرهنگ عامه» از انجوی شیرازی: این کتاب در زمینه فرهنگ مردم ایران شامل قصه‌ها، مثل‌ها، افسانه‌ها، آداب و رسوم و... است.

با این حال این موضوع یعنی «تحلیل فراوانی انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران» مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته و تاکنون کاری مستقل در این‌باره انجام نشده است.

مقاله‌ها:

- «سیمای قهرمان در داستان‌های عامیانه» از سیروس پرهام: به سیمای قهرمانان و هدف آنان از جنگیدن می‌پردازد، در داستان‌هایی چون سمک عیار، امیر ارسلان، حسین کرد و... .
- «بحثی در افسانه‌های عاشقانه ایرانی» از محمد جعفری قنواتی: به بررسی افسانه‌های عاشقانه، ویژگی آنها و تحلیل آنها با تکیه بر افسانه «دختر فتنه خون‌ریز» پرداخته است.
- «تأملی در نظریه انواع در ادبیات فارسی» از واعظزاده و همکاران: به بیان نوع ادبی و بینامتنیت، تعریف نوع ادبی، رابطه نوع ادبی با آثار ادبی و... پرداخته است.
- «انواع ادبی و شعر فارسی» از شفیعی کدکنی: درباره انواع ادبی، ناقدان اروپایی و تقسیم‌بندی آثار اروپایی انجام شده است.
- «طبقه‌بندی انواع ادبی از منظر نظریه پردازان رمانتیسم» از محمدحسین جواری و آسیب‌پور: به پیدایش طبقه‌بندی انواع با نگرش فلسفی می‌پردازد.
- «انواع ادبی در اروپا و ایران» از خسرو فرشیدورد: به نقد تطبیقی و مقایسه‌ای بین انواع ادب در ایران و اروپا می‌پردازد.
- و...

روش تعیین نوع ادبی

روش مورد استفاده، روشی دو مرحله‌ای است که محقق در مرحله اول، عوامل تشکیل‌دهنده نوع را مشخص می‌کند و در مرحله دوم از روی ویژگی‌های این عوامل به تبیین وجه غالب اثر می‌پردازد. عوامل تشکیل‌دهنده شامل سه عنصر یا متغیر محتوا و مضمون، لحن و شیوهٔ ارائه است و وجه غالب نیز در سه نوع ادبی حماسی، غنایی و تعلیمی خلاصه می‌شود.

در زیر توضیحات مرتبط با سه متغیر اصلی و جداول مربوط به زیرعوامل‌های آن آورده شده است:

الف) متغیر محتوا و مضمون: محتوا یا درون‌مایه، «فکر اصلی و مسلط در هر اثری است که معنای کل داستان یعنی فکر یا مجموعه افکاری را که موضوع اساسی مورد نظر نویسنده است، در داستان تحکیم می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۷۴). محتوا را می‌توان معادل دو کلمه معنی و مفهوم فرض کرد. جدول خلاصه مربوط به متغیر محتوا و مضمون به شرح زیر است:

جدول ۱- متغیر محتوا و مضمون

ردیف	نام زیر عامل	نام متغیر نوع ادبی	ردیف	نام زیر عامل	نام متغیر نوع ادبی
۱	قهرمانی	حماسی - تعلیمی	۱۶	مناجات‌نامه و توبه‌نامه	غنایی
۲	پهلوانی	حماسی - تعلیمی	۱۷	ساقی‌نامه و مغنی‌نامه	غنایی
۳	عیاری	حماسی	۱۸	وعظ	تعلیمی
۴	عاشقانه	غنایی	۱۹	عبرت	تعلیمی
۵	عارفانه	غنایی	۲۰	حکمت	تعلیمی
۶	مرثیه	غنایی	۲۱	معما و چیستان	تعلیمی - حماسی
۷	شکوائیه	غنایی	۲۲	ذکر معجزات	حماسی - تعلیمی
۸	فراق‌نامه	غنایی	۲۳	تمثیل	تعلیمی
۹	حبسیه	غنایی	۲۴	وصفی	غنایی
۱۰	مفاخره	حماسی	۲۵	پند و اندرز	تعلیمی
۱۱	مناظره	حماسی - تعلیمی	۲۶	چاووش‌نامه	غنایی

۱۲	شهر آشوب	غنائی	۲۷	اساطیر	حماسی
۱۳	هجو و هزل	غنائی	۲۸	سحر و جادو	حماسی
۱۴	طنز	غنائی - تعلیمی	۲۹	افسانه پریان	حماسی
۱۵	مدح	غنائی			

ب) متغیّر لحن: یکی از شاخصه‌هایی که پیش از هر چیزی در متن رخ می‌نماید، ساختار زبانی و لحن آن است؛ زیرا ابزار نگارش متن، زبان است و زبان بدون لحن معنایی ندارد. این مقوله از دو زاویه قابل بررسی است؛ نخست لحن و زبان هر شخصیت، دوم لحن و زبان حاکم بر کل اثر. این ویژگی‌ها با شاخص‌هایی مانند تکیه‌کلام‌ها، اصطلاحات، ادبیات عامیانه و یا فاخر، آواها و دیگر قابلیت‌های زبانی قابل بررسی است. در این باره ملاح می‌گوید: «لحن در لغت به معنی آواز، آواز خوش و موزون و یا آهنگ و صوت است. در اصطلاح موسیقی، اجتماع اصواتی مطبوع را که با زیر و بمی خاص و ترتیبی معین در پی یکدیگر قرار گرفته باشد، لحن گویند» (ملاح، ۱۳۶۳: ۱۸۴). یا در تعریفی دیگر، لحن، آهنگ و صدای بیان داستان است که به صورت‌های گوناگون اظهار می‌شود. «لحن، شیوه پرداخت نویسنده به اثر است، به طوری که خواننده آن را حدس بزند؛ درست مثل لحن صدای گوینده‌ای که ممکن است طرز برخورد او با موضوع و مخاطبانش را نشان بدهد که مثلاً تحقیرآمیز، موقرانه، رسمی و یا صمیمی باشد» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۵۲۳).

بنابراین خواننده از طریق لحن به شیوه بیان گوینده پی می‌برد. «در نقد و ادب معاصر فارسی، لحن برگردان واژه «Tone» انگلیسی است و عبارت از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت به محتوای پیام است که از طریق فضاسازی زبان ایجاد می‌شود و از ارکان اساسی هر اثر ادبی است (عمران‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۸). حالات روحی انسان متأثر از سه عنصر کلیدی است: عنصر هیجان، عنصر احساس و عنصر منطقی. هر کدام از این عناصر دارای زیرمجموعه‌ای وسیع هستند. مواردی از قبیل غم، شادی، خشم، عصبانیت، مفاخره، تسلی‌گری، استدلالی، تحسین، تکبر، تحقیر، نفرین، حسرت و...

قابلیت تفسیر و دسته‌بندی در زیرمجموعه یکی از سه عنصر فوق را دارد. این سه عنصر در کنار یکدیگر تمامی حالات روحی انسان را پوشش می‌دهند. در جدول زیر انواع لحن‌ها و تعلق آنها به عنصر متعلقه و نوع ادبی مربوطه آورده شده است.

جدول ۲- انواع لحن‌ها و تعلق آنها به عنصر متعلقه و نوع ادبی

ردیف	انواع لحن	عنصر	نوع ادبی
۱	تأکیدی، عصبانی، صمیمانه، خصمانه، تعجبی، بی‌ادبانه، مهیج، دشنام، هراسان و کوبنده، حسادت‌آمیز، تحقیرآمیز، برانگیزاننده، تکبرآمیز، ملتسمانه، تهدیدآمیز، غافلگیرکننده، تنفرآمیز، تمسخرآمیز، رجز، تفاخرآمیز	هیجان	حماسی
۲	شادمانه، غمگینانه، سوزناک، نادمانه، توصیفی، بی‌حوصلگی، سوگوارانه، نومیدانه، امیدوارانه، نفرین، دعایی، لطیف، تضرع‌آمیز، متحسرانه، افسوسانه، شرمگینانه، ستایشی	احساس	غنایی
۳	آمرانه، ناصحانه، تحسینی، توبیخی، مؤدبانه، رسمی، اخطاری، چاپلوسانه، فریبکارانه، استدلالی، اقناعی و توضیحی، گلایه‌آمیز، گزنده، شوخ‌طبعانه، تمجیدی، انتقادی، تحذیری، استنطاقی	منطق	تعلیمی

ج) متغیر شیوه‌ارائه: سومین متغیر اصلی که می‌تواند در تبیین نوع ادبی نقش بسزایی داشته باشد، متغیر شیوه‌ارائه در یک متن ادبی است. شیوه‌ارائه در ادبیات، موضوعی بنیادی است. درک شیوه‌هایی که روایت در آنها عمل می‌کند، به ما کمک می‌کند تا چیزی از متون ادبی دستگیرمان شود که اکثر شیوه‌های نقد سنتی قادر به فهم آن نبوده؛ زیرا تکیه‌گاه نقد سنتی بر محتوا و مضمون است، در حالی که در نقد مدرن به ویژگی‌های زبانی و فرم‌های ساختاری متون توجه دارند (وبستر، ۱۳۸۳: ۴۸). افلاطون در کتاب جمهوری می‌گوید: «منظور ما از شیوه‌ارائه یک داستان این است که در آن گفته‌ها و شرح وقایع چگونه با یکدیگر مرتبط می‌شوند» (افلاطون، ۱۳۵۳: ۱۳۴).

از نظر تئوری ادبی و نشانه‌شناسی، شیوه‌ارائه توانایی آن را دارد که لایه‌های معنایی غیر زبانی را به متن اضافه کند و در واقع قسمتی از بار انتقال مفهوم به صورت صحیح را

به دوش بکشد. تأکیدی که در اینجا وجود دارد، بر کلمه صحیح است؛ یعنی اگر شیوه ارائه به درستی انتخاب گردد، احتمال دستیابی مؤلف به مقصود به طور ملموسی افزایش خواهد یافت. شیوه ارائه (روایتگری) به صورت «مجموعه‌ای از روش‌ها که نویسندگان و پدیدآورندگان آثار ادبی برای ارائه داستان به مخاطبان خود استفاده می‌کنند» (رنجبر چقابودی، ۱۳۸۹: ۳۷)، تعریف شده است.

شیوه ارائه، مفهوم وسیع‌تری از آنچه در ادبیات «روایت» خوانده می‌شود، در بردارد. در واقع روایت تنها بخشی از شیوه ارائه را شامل می‌شود و در کنار آن، دو روش دیگر به نام‌های خطابت و خویش‌گویی نیز وجود دارد و مکمل آن است. خلاصه مربوط به شیوه ارائه در جدول زیر آمده است:

جدول ۳- شیوه ارائه

ردیف	شیوه ارائه	نوع ادبی مربوطه
۱	روایی (روایتی)	حماسی، غنایی، تعلیمی
۲	خطابی	تعلیمی
۳	خویش‌گویی	غنایی

د) تعیین وجه غالب: اکنون مشخصه‌های هر یک از وجوه مورد نظر شامل محتوا و مضمون، لحن و شیوه ارائه تعیین شده است. چنانچه یک اثر ادبی مورد مطالعه قرار گیرد و برای آن، نوع هر یک از وجوه تعیین گردد؛ آنگاه قادر خواهیم بود وجه غالب نوع ادبی آن اثر را مانند جدول زیر به دست آوریم:

جدول ۴- وجه غالب نوع ادبی اثر

نام داستان	مضمون و محتوا	لحن	شیوه ارائه	وجه غالب
رستم‌نامه	پهلوانی، قهرمانی، ساقی‌نامه	ستایشی، مدحی، تأکیدی، مهیج، رجزخوانی، لطیف، ناصحانه	روایی	حماسی
	حماسی - غنایی	حماسی، غنایی، تعلیمی	حماسی	

تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق: تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، یکی از گام‌های اصلی در هر تحقیق محسوب می‌شود. در این راستا ابتدا داده‌های حاصل تجمیع و دسته‌بندی شد و سپس با رویکرد حل مسئله، بر اساس متغیرهای اصلی، داده‌ها از یکدیگر منفک و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بررسی هر یک از داستان‌ها (ر.ک: ذوالفقاری و حیدری، ۱۳۹۱) در ذیل آمده است:

جدول ۵- نتایج بررسی هر یک از داستان‌ها

ردیف	نام داستان	وجه غالب	ردیف	نام داستان	وجه غالب	ردیف	نام داستان	وجه غالب
۱	توبه نضوج	تعلیمی	۲۵	عروسی تاجماه	تعلیمی	۴۹	جبریل جولا	حماسی
۲	توبه‌نامه و مناجات‌نامه	غنایی	۲۶	عروسی رفتن حضرت فاطمه	حماسی	۵۰	جواهر العقول موش و گربه	تعلیمی
۳	جام و قلیان	حماسی	۲۷	عروسی کردن بهلول	تعلیمی	۵۱	چهار درویش	تعلیمی
۴	جولونبور	تعلیمی	۲۸	عروسی پیرزن نودساله	غنایی	۵۲	طوطی نامه	تعلیمی
۵	چاووش نامه	غنایی	۲۹	حکایت عابد ناصبور	تعلیمی	۵۳	حسین کرد شبستری	حماسی
۶	حدیث کسا	حماسی	۳۰	گرگ و روباه	تعلیمی	۵۴	خاورنامه	حماسی
۷	حسنین	حماسی	۳۱	مرد ساده‌دل که خر خرید	تعلیمی	۵۵	خاور و باختر	تعلیمی
۸	حیدر بیک	غنایی	۳۲	مرد لر و رندان	تعلیمی	۵۶	خسرو دیوزاد	حماسی
۹	خاله سوسکه	غنایی	۳۳	مرد شکاک و زن شدن او	تعلیمی	۵۷	دزد و قاضی	تعلیمی

۱۰	خاله قورباغه	تعلیمی	۳۴	معراج‌نامه	تعلیمی	۵۸	دله و مختار	حماسی
۱۱	امیرالمؤمنین و خضر و الیاس	حماسی	۳۵	مناجات پیرمرد خارکش	غنائی	۵۹	رند و زاهد	تعلیمی
۱۲	خلعت بخشیدن بهلول	تعلیمی	۳۶	منظومه سماور	تعلیمی	۶۰	روباه و خروس	تعلیمی
۱۳	دریدن شیر پرده حمید بن مهران	حماسی	۳۷	موسی و سنگ تراش	تعلیمی	۶۱	سبزپری و زردپری یا قصه احمد جامی	غنائی
۱۴	رباعیات باباطاهر	غنائی	۳۸	مو و میش	تعلیمی	۶۲	سلیم جواهری	حماسی
۱۵	رستم‌نامه	حماسی	۳۹	موش و گربه عبید زاکانی	تعلیمی	۶۳	شاهزاده شیرویه نامدار	حماسی
۱۶	سلطان جمجمه	تعلیمی	۴۰	موش و گربه مخمس ادیب	تعلیمی	۶۴	شاهزاده هرمز	حماسی
۱۷	شش ترجیع‌بند مشدیان	غنائی	۴۱	موش و گربه مخمس اسماعیل چرکچی	غنائی	۶۵	عباس دوس	تعلیمی
۱۸	شکر طعام	تعلیمی	۴۲	نان و پنیر	تعلیمی	۶۶	قصیده مشکل‌گشا	تعلیمی
۱۹	شیخ ابوالپشم	تعلیمی	۴۳	نان و حلوا	تعلیمی	۶۷	قهرمان قاتل	حماسی
۲۰	شیخ صنعان و دختر ترسا	غنائی	۴۴	نان و سرکه	تعلیمی	۶۸	کلثوم ننه	تعلیمی

۲۱	شیر و شکر	تعلیمی	۴۵	نصایح الاطفال شنگول و منگول	تعلیمی	۶۹	ملک جمشید و طلسم آصف و حمام بلور	غنائی
۲۲	ضامن آهو و صیاد	تعلیمی	۴۶	نصایح الحکما	تعلیمی	۷۰	نجمای شیرازی	غنائی
۲۳	عاشق شدن دختر مصری به حضرت علی اکبر	غنائی	۴۷	مرد حاجی و حمل	تعلیمی	۷۱	نوش آفرین گوهر تاج	غنائی
۲۴	عاق والدین	تعلیمی	۴۸	بهرام و گل اندام	غنائی	۷۲	نه تو، نه این، نه اون و یمنعون الماعون	تعلیمی

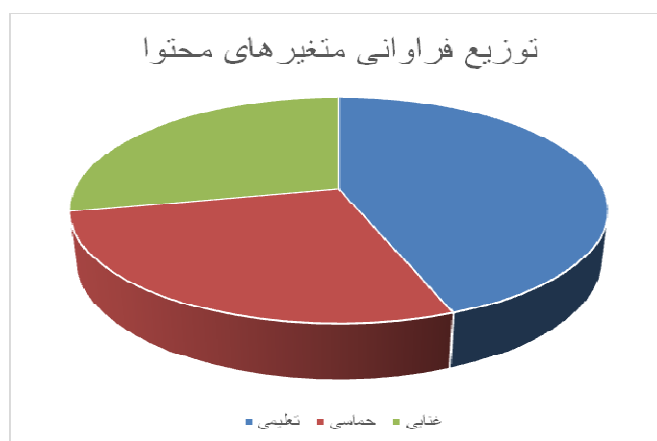
جدول ۷- عوامل مرتبط با نوع حماسی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	اساطیری	۳	٪۶
۲	پهلوانی	۲	٪۴
۳	خرق عادت	۳	٪۶
۴	افسانه پریان	۳	٪۶
۵	ذکر معجزات و کرامات	۳	٪۶
۶	سحر و جادو	۴	٪۸
۷	عیاری	۱۰	٪۲۰
۸	قهرمانی	۱۲	٪۲۴
۹	مفاخره	۷	٪۱۴
۱۰	مناظره	۳	٪۶
جمع		۵۰	٪۱۰۰

جدول ۶- عوامل مرتبط با نوع تعلیمی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	پند و اندرز	۷	٪۹
۲	تمثیل	۱۲	٪۱۵
۳	چیستان	۱	٪۱
۴	حکمت	۱۰	٪۱۳
۵	ذکر معجزات	۶	٪۸
۶	طنز	۹	٪۱۱
۷	عبرت	۱۲	٪۱۵
۸	مناظره	۴	٪۵
۹	وعظ	۱۹	٪۲۴
جمع		۸۰	٪۱۰۰

نتایج حاصل از بررسی متغیر محتوا و مضمون: بر اساس تعریف، داده‌های مربوطه در سه گروه تعلیمی، حماسی و غنایی قرار گرفته و در انتها نیز جدول مقایسه آنها آورده شده است:

ردیف	عوامل	تعداد	درصد
۱	تعلیمی	۸۰	٪۴۴
۲	حماسی	۵۰	٪۲۸
۳	غنائی	۵۱	٪۲۸

ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	توبه‌نامه	۱	٪۲
۲	وصف	۴	٪۸
۳	چاووشی	۱	٪۲
۴	ساقی‌نامه	۱	٪۲
۵	طنز	۳	٪۶
۶	عارفانه	۳	٪۶
۷	عاشقانه	۱۹	٪۳۷
۸	فراق‌نامه	۱	٪۲
۹	مدح و ستایش	۷	٪۱۳
۱۰	مرثیه	۵	٪۱۰
۱۱	مناجات	۳	٪۶
۱۲	هجو و هزل	۳	٪۶
	جمع	۵۱	٪۱۰۰



شکل ۱- نمودار توزیع فراوانی متغیرهای محتوا

نتایج حاصل از بررسی متغیر لحن: در اینجا نیز به همان شکل قبلی عمل شده

است:

جدول ۱۱- عوامل مرتبط با نوع حماسی			
ردیف	عوامل	تعداد	درصد
۱	برانگیزاننده	۱	٪۱,۵
۲	برتری طلبانه	۱	٪۱,۵
۳	بی ادبانه	۳	٪۴
۴	تأکیدی	۴	٪۶
۵	تحقیرآمیز	۱	٪۱,۵
۶	تفاخرآمیز	۱	٪۱,۵
۷	تمسخرآمیز	۱	٪۱,۵

جدول ۱۰- عوامل مرتبط با نوع تعلیمی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	اخطاری	۲	٪۲
۲	استدلالی	۸	٪۸
۳	استنطاقی	۱	٪۱
۴	اقناعی	۱۳	٪۱۳
۵	آمرانه	۶	٪۶
۶	انتقادی	۳	٪۳
۷	تذییری	۱	٪۱

۸	تهدیدآمیز	۹	٪۱۳,۵
۹	خصمانه	۳	٪۴,۵
۱۰	دشنام	۳	٪۴
۱۱	رجزخوانی	۹	٪۱۳
۱۲	سرزنشی	۱	٪۱,۵
۱۳	شوخ‌طبعانه	۱	٪۱,۵
۱۴	غافلگیرکننده	۴	٪۶
۱۵	کوبنده	۱۱	٪۱۶
۱۶	محکم	۳	٪۴,۵
۱۷	ملتمسانه	۱	٪۱,۵
۱۸	مهیج	۱۰	٪۱۵
۱۹	هراسناک	۲	٪۳
جمع		۶۹	٪۱۹۹
جدول ۱۳- جدول تجمیعی لحن			
ردیف	عوامل	تعداد	درصد
۱	تعلیمی	۱۰۰	٪۴۲
۲	حماسی	۶۹	٪۲۹
۳	غنائی	۷۰	٪۲۹

۸	تحسینی	۱	٪۱
۹	تشریحی	۱	٪۱
۱۰	تمجیدی	۳	٪۳
۱۱	توبیخی	۱	٪۱
۱۲	توضیحی	۱۴	٪۱۴
۱۳	جدلی	۱	٪۱
۱۴	شوخ‌طبعانه	۱۰	٪۱۰
۱۵	فریب‌کارانه	۳	٪۳
۱۶	فلسفی	۱	٪۱
۱۷	مؤدبانه	۱	٪۱
۱۸	ناصحانه	۳۰	٪۳۰
جمع		۱۰۰	٪۱۰۰
جدول ۱۲- عوامل مرتبط با نوع غنائی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	امیدوارانه	۱	٪۱,۵
۲	تضرع‌آمیز	۲	٪۳
۳	توصیفی	۱۱	٪۱۵,۵

۴	حزن‌انگیز	۱	٪۱,۵
۵	دعایی	۱۰	٪۱,۴
۶	ستایشی	۷	٪۱,۰
۷	سوزناک	۵	٪۰,۷
۸	سوگوارانه	۲	٪۰,۳
۹	شادمانه	۴	٪۰,۶
۱۰	شرمگینانه	۱	٪۱,۵
۱۱	غمگینانه	۹	٪۱,۳
۱۲	لطیف	۱۲	٪۱,۶,۵
۱۳	متحسرانه	۲	٪۰,۳
۱۴	نادمانه	۱	٪۱,۵
۱۵	نومیدانه	۱	٪۱,۵
۱۶	نیایشی	۱	٪۱,۵
جمع		۷۰	٪۱,۰۰

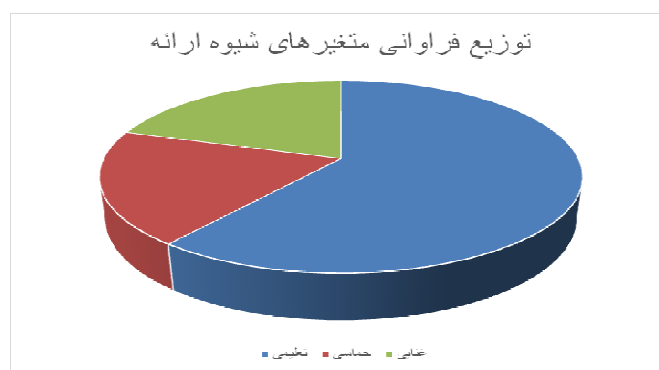


شکل ۲- نمودار توزیع فراوانی متغیرهای لحن

نتایج حاصل از بررسی متغیر شیوه ارائه: مطابق با روش یادشده در این مورد هم اقدام شده است:

جدول ۱۵- عوامل مرتبط با نوع حماسی			
ردیف	عوامل	تعداد	درصد
۱	روایی	۱۸	٪۱۰۰
جمع		۶۹	٪۱۹۹
جدول ۱۷- جدول تجمیعی لحن			
ردیف	عوامل	تعداد	درصد
۱	تعلیمی	۵۷	٪۶۰
۲	حماسی	۱۸	٪۲۰
۳	غنائی	۱۸	٪۲۰

جدول ۱۴- عوامل مرتبط با نوع تعلیمی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	خطابی	۲۳	٪۴۰
۲	روایی	۳۴	٪۶۰
جمع		۱۰۰	٪۱۰۰
جدول ۱۶- عوامل مرتبط با نوع غنائی			
ردیف	عامل	تعداد	درصد
۱	خویش‌گویی	۵	٪۲۶
۲	روایی	۱۴	٪۷۴
جمع		۱۹	٪۱۰۰

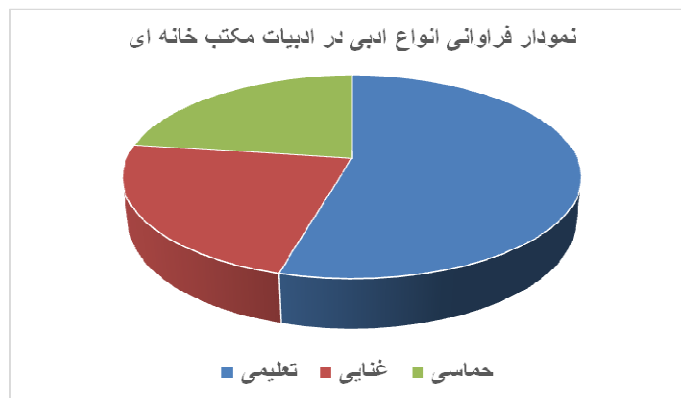


شکل ۳- نمودار توزیع فراوانی متغیرهای شیوه ارائه

نتایج حاصل از بررسی تابع وجه غالب: در نهایت با تعیین نوع ادبی مرتبط با هر داستان و جایگزینی در متغیر وجه غالب، نتیجه نهایی به شکل زیر استخراج شد:

جدول ۱۸- نتایج حاصل از بررسی تابع وجه غالب

ردیف	نوع ادبی	فراوانی	درصد
۱	تعلیمی	۳۸	۵۴٪
۲	غنایی	۱۶	۲۳٪
۳	حماسی	۱۶	۲۳٪
	جمع	۷۰	۱۰۰٪



شکل ۴- نمودار فراوانی انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای

بررسی و نتیجه‌گیری

وجود طبقه‌بندی‌های گوناگون درباره انواع ادبی در ادبیات جهانی و نبود بدیل‌های قابل اتکا در ادبیات فارسی، مشکل بزرگی است که تعیین نوع ادبی را برای آثار فارسی‌زبان دشوار نموده است. در پژوهش حاضر، ابتدا تلاشی برای ارائه الگویی در تعیین نوع ادبی صورت گرفته است که مبتنی بر دو اصل اساسی است و در آن سعی شده است که اولاً

روش ارائه‌شده در تعارض با روش‌های مرسوم جهانی نباشد و از تجربیات آنها به اندازه کافی بهره برده باشد و دوم آنکه الگوی ارائه‌شده، توانایی تأمین نیازهای متنوع کنونی را داشته و از انعطاف کافی برای حالات محتمل آتی برخوردار باشد.

برای این منظور الگو در دو سطح طراحی شده است. در سطح اول، نوع ادبی تابعی از سه متغیر (محتوا و مضمون، لحن، شیوه ارائه) در نظر گرفته شده و در سطح دوم، هر یک از این متغیرها می‌تواند مقادیر زیادی را که به عنوان زیر عامل تعریف شده‌اند، به خود بپذیرند.

از نظر نتایج نیز در تعیین انواع ادبی از انواع پایه (حماسی، غنایی، تعلیمی) استفاده شده است. هر کدام از متغیرها نیز دارای زیرعاملی‌هایی هستند. متغیر محتوا و مضمون شامل بیش از ۳۵ زیرعامل از جمله قهرمانی، عیاری، عاشقانه، تمثیلی، وعظ، حکمت و... است که موضوعات موجود کنونی را پوشش داده و قابلیت توسعه و افزایش دارد. متغیر لحن دارای ۵۷ عنصر از جمله صمیمانه، ملتمسانه، دعایی، ناصحانه، آمرانه و... است که در سه دسته منطقی، هیجانی و احساسی دسته‌بندی شده است و متغیر سوم، شیوه ارائه است که به سه زیرعامل روایی، خطابی و خویش‌گویی تقسیم شده است. در نهایت وجه غالب نوع ادبی از تعیین متغیرهای یادشده به دست می‌آید. از ویژگی‌های این روش، انعطاف بالای آن است که در صورت افزایش حالات، این عوامل اضافی به زیرعامل‌ها افزوده شده و در نتیجه ضمن غنای دامنه پوشش بر ساختار اصلی تأثیر مخرب نمی‌گذارد.

سپس به بررسی موضوع اصلی پژوهش که بررسی ویژگی‌های انواع ادبی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای است پرداخته شده و بر مبنای روش یادشده، تعلق اثر به نوع ادبی تعیین گردید. بر اساس نتایج حاصل از این قسمت مشاهده شد که نوع تعلیمی بیشترین فراوانی را دارد و انواع حماسی و غنایی دارای سهمی مساوی هستند. همان‌گونه که در جدول نهایی مشاهده می‌شود، ۳۸ داستان از ۷۰ داستان (۵۴٪) از نوع تعلیمی است و انواع حماسی و غنایی هر کدام، ۱۶ داستان (۲۳٪) از داستان‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

در بخش مربوط به متغیر محتوا و مضمون، همان‌گونه که در جدول مربوطه مشاهده می‌شود، در بخش مربوط به تعلیمی، زیرعامل وعظ با ۲۴٪ دارای بیشترین فراوانی و زیرعامل‌های عبرت و تمثیل هر یک با ۱۵٪، حکمت با ۱۳٪، طنز با ۱۱٪ و پند و اندرز با ۹٪، رتبه‌های بعدی را دارند. در بخش مربوط به حماسی، زیرعامل قهرمانی با ۲۴٪ دارای بیشترین فراوانی و زیرعامل‌های عیاری با ۲۰٪ و مفاخره با ۱۴٪ در جایگاه بعدی واقع شده‌اند و در بخش غنایی، زیرعامل عاشقانه با ۳۷٪ دارای بیشترین بسامد است و پس از آن زیرعامل‌های مدح و ستایش با ۱۳٪ و مرثیه با ۱۰٪ قرار دارند. در مجموع نیز زیرعامل‌های مربوط به تعلیمی با ۴۴٪ بیشترین و پس از آن حماسی و غنایی هر یک با ۲۸٪ قرار دارند.

درباره متغیر لحن در بخش تعلیمی، زیرعامل توضیحی با ۱۴٪ در جایگاه نخست قرار دارد و زیرعامل‌های اقناعی با ۱۳٪ و شوخ‌طبعانه با ۱۰٪ در جایگاه بعدی از نظر میزان فراوانی قرار دارد. در بخش حماسی، زیرعامل لحن کوبنده با ۱۶٪ دارای بیشترین فراوانی و زیرعامل‌های مهیج با ۱۵٪، تهدیدآمیز و رجزخوانی هر یک با ۱۳٪ در پی آن قرار دارند. در بخش غنایی، زیرعامل لحن لطیف با ۱۶٫۵٪ دارای بیشترین فراوانی و زیرعامل‌های توصیفی با ۱۵٫۵٪ فراوانی، لحن دعایی با ۱۴٪ و غمگینانه با ۱۳٪ پس از آن قرار دارند. در مجموع نیز زیرعامل‌های مربوط به تعلیمی با ۴۲٪ بیشترین و پس از آن حماسی و غنایی با ۲۹٪ قرار دارند.

درباره متغیر شیوه ارائه نیز در بخش تعلیمی، زیرعامل روایی با ۶۰٪ و خطابی با ۴۰٪ قرار دارد. در بخش حماسی، زیرعامل روایی ۱۰۰٪ و در بخش غنایی، زیرعامل روایی ۷۴٪ و زیرعامل خویش‌گویی ۲۶٪ است. در مجموع نیز زیرعامل‌های مربوط به تعلیمی شامل ۶۱٪، حماسی ۱۹٪ و غنایی ۲۱٪ است.

نکته قابل تأمل، وجود همبستگی میان میزان فراوانی زیرعامل‌ها با متغیرهای اصلی است. به عبارتی فراوانی مرتبط با هر نوع در سه متغیر مستقل از همان الگویی که زیرعامل‌ها بر مبنای آن رفتار می‌کنند، تبعیت نموده و در نتیجه می‌تواند دلیلی بر کارکرد درست روش ارائه‌شده باشد.

منابع

- افلاطون (۱۳۵۳) جمهوری، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، ابن‌سینا.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۱) فرهنگ عامه، پژوهش‌های ادبی مردم‌شناسی، به کوشش مهین صداقت‌پیشه، تهران، فرزانه.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴) زبان و ادبیات عامه ایران، تهران، سمت.
- ذوالفقاری، حسن و محبوبه حیدری (۱۳۹۱) ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران، ۳ جلدی، تهران، رشدآوران.
- رنجبر چقاكبودی، وحید (۱۳۸۹) راوی، کرمانشاه، باغ‌نی.
- زرقانی، مهدی و محمودرضا قربان صباغ (۱۳۹۵) نظریه ژانر (نوع ادبی)، تهران، هرمس.
- عمران پور، محمدرضا (۱۳۸۴) «عوامل ایجاد، تغییر و تنوع و نقش لحن در شعر»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، دوره ۳، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۱۲۷-۱۵۰.
- ملاح، حسینعلی (۱۳۶۳) حافظ و موسیقی، تهران، هیرمند.
- میرصادقی، جمال (۱۳۷۶) عناصر داستان، تهران، سخن.
- وبستر، راجر (۱۳۸۳) «روایت و زبان»، ترجمه محبوبه خراسانی، مجله ادبیات داستانی، سال یازدهم، شماره ۸۲، مرداد و شهریور، صص ۱-۵.